

● تصویرهای زمین خوشبخت

هر جشنواره باید به دفاع از سینما به منزله هنر، به منزله آفرینش، دوام دهد... آثاری گزیده، چون گزیده‌های شماست که کمک دولتها را که علت وجودی آن، آسانتر ساختن فتوحات آزادی شماست، قانونی می‌کند...

اعتبار سینما در این است که نخستین هنر جهانی است:

قوت و قدرت تصویر، براختلاف‌های زبانی و آیین چیره می‌شود. تصویر، در خدمت توله‌توی روسی و یک زن بازیگر سوئدی که کارگردانی آمریکایی، هدایتش می‌کند، غرب و هند و ژاپن را منقلب می‌سازد. مباد که قدرت قانع‌کننده تصاویر، ما را گمراه کند. همه می‌دانید که این قدرت، به هیچ روی طالب آن نیست که سینما، از واقعیت، رونوشت بردارد، بلکه برآن است که سینما، قوی‌ترین مفسر و ترجمان دنیای غیرواقعی است، ترجمان چیزی که پیوسته به نظر می‌آید به واقع شباهت دارد، اما واقع آن شباهت نمی‌برد.

چنین بوده است دنیای رمان، و پیش از آن، دنیای نقاشی.

اما اگر رمان، سال به سال فرتوت‌تر می‌شود، اگر نقاشی، عینی یا انتزاعی، ترک افسانه گفته است، شاید نخست از آن روست که هیچ افسانه‌ای، با افسانه سینما، برابری نمی‌کند. آنچه سینما هر سال بر ما آشکارتر می‌کند، این است که انسانها، به رغم آن چیزهایی که آنان را از هم جدا می‌سازد، به رغم سنگینی‌ترین و تیره‌ترین مناقشه‌ها، زیر یک آسمان پرستاره در چند آرزوی بزرگ و اساسی، باهم توافق دارند و این آسمان، در همه ساخته‌های هنرمندانه سینمایی، حتی در فیلم‌هایی که هرگز آسمان را در آنها نمی‌بینیم، به چشم می‌خورد.

اکنون که جویز توزیع شده است و جشنواره به پایان رسیده است، من به نام همه شما، یک نخل طلای تصویری به این آسمان نامرئی، به برادر ناپیدای تصویرهای زمین خوشبخت و زمین خونین یا هراسگین، تقدیم می‌کنم که در آن، چاپلین و آیزنشتین با جوان‌ترین شما پیوند می‌یابند، به رویای نامرئی انسانهایی تقدیم می‌کنم که شما آنها را یکی پس از دیگری تجسم می‌بخشید، انسانهایی که نخست، شما آنها را برای همه انسانهای دیگر تجسم می‌بخشید... []

نقطه نظرهای آندره مالرو در آیین اختتامی یکی از جشنواره‌های کن

هیچ افسانه‌ای، با افسانه سینما برابری نمی‌کند

آندره مالرو

